

بیانات در دیدار اعضای ستادهای کنگره شهدای امور تربیتی، کنگره شهدای دانشجویان، و کنگره شهدای هنرمندان

- 7 / اسفند / 1393

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بسیار جلسه‌ی نورانی و معطر و پرمغز و پرمعنایی است. کسانی که به عنوان شهید در این جلسه معرفی شدند، جزو قشرهای برتر و نخبه‌ی جامعه‌اند؛ دانشجویانند، هنرمندانند، معلمانند، دانش‌آموزانند؛ این نشان دهنده‌ی این است که انگیزه‌ی فداکاری در راه خدا و شهادت در این راه، در سطوح گوناگون در جامعه‌ی ما رواج و گسترش داشته؛ این خیلی مطلب مهمی است. استاد دانشگاه می‌رود شهید می‌شود، هنرمند می‌رود شهید می‌شود، دانشجو می‌رود شهید می‌شود. بسیاری از این نام‌آوران عرصه‌ی دفاع مقدس ما - که نامهایشان زینت بخش خیابانهای ما و مراکز ما و عکسهایشان زینت بخش محیطهای زندگی ما است - یا اغلبشان، دانشجویانی بودند؛ بعضی از اینها حقیقتاً نوابغ بودند؛ هنرمندانی بودند، معلمان بودند، اساتیدی بودند؛ رفتند و جان خودشان و عمر خودشان را - ارزشمندترین چیزی که انسان از امور مادی در اختیار دارد یعنی زندگی خودشان را - در راه خدا، در راه اهداف، هدیه کردند، تقدیم کردند؛ این بسیار مهم است.

جلسات بزرگداشت، ادامه‌ی حرکت جهادی و ادامه‌ی شهادت است. اگر نام شهیدان ما تکرار نمیشد، تجلیل نمیشدند و احترام به آنها و خانواده‌های آنها در جامعه‌ی ما به صورت یک فرهنگ در نمی‌آمد - که خوشبختانه به صورت فرهنگ درآمده - امروز بسیاری از این یادهای ارزشمند و گرانبها فراموش شده بود؛ این ارزشگذاری عظیمی که با حرکت شهادت در یک جامعه به وجود می‌آید، به فراموشی سپرده شده بود. نباید بگذارید این اتفاق بعد از این هم بیفتد؛ روزبه روز باید یاد شهدا و تکرار نام شهدا و نکته‌یابی و نکته‌سنجی زندگی شهدا در جامعه‌ی ما رواج پیدا کند. و اگر این شد، آن وقت مسئله‌ی شهادت که به معنای مجاهدت تمام عیار در راه خدا است، در جامعه ماندگار خواهد شد. و اگر این شد، برای این جامعه دیگر شکست وجود نخواهد داشت و شکست معنا نخواهد داشت؛ پیش خواهد رفت. عیناً مثل ماجرای حسین بن علی (علیه السلام)؛ امروز ۱۳۰۰ سال یا بیشتر از شهادت حضرت اباعبدالله (علیه السلام) می‌گذرد و روزبه روز این داستان برجسته‌تر و زنده‌تر شده. این داستان در بطن خود دارای یک مضامینی است که این مضامین برای حیات اسلامی جامعه ضروری است. اگر این مضامین گسترش پیدا نمی‌کرد، از اسلام و از قرآن و از حقایق معارف اسلامی هم امروز خبری نبود. اینجا هم همین جور است؛ نگذارید نام شهدا و یاد شهدا فراموش بشود یا در جامعه‌ی ما کهنه بشود؛ و البته با ابتکارات؛ این جلسات بزرگداشتی که آقایان به وجود می‌آورید - که خیلی باارزش است - صرفاً یک جلسه‌ی ترحیم باشکوه نیست؛ این جلسات، دارای مضامین ویژه‌ی خودش است؛ بایستی شهادت را معنا کند، شهید را معرفی کند، فرهنگ شهادت را در جامعه ماندگار کند. در مورد شهید خدای متعال می‌فرماید که اینها زنده‌اند: *وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ يُقْتَلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتٌ*. (۱) *وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ* * *فَرَحِينَ يَمَّا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ*. (۲) اینها آیات قرآن است؛ اینها صریح در یک معارفی است که از این معارف هیچ مسلمان نمی‌تواند چشم‌پوشد. هر کسی به اسلام و به قرآن اعتقاد دارد، این معارف بایستی جلوی چشمش باشد. این آیه‌ی شریفه قرآن می‌گوید اینها زنده‌اند؛ حیات اینها یک حیات واقعی است، یک حیات معنوی است و نزد خدای متعال مرزوقند؛ یعنی دائم تفضلات الهی دارد به اینها میرسد؛ *فَرَحِينَ يَمَّا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ*. آن طرف مرز زندگی و مرگ چه خبر است؟ انسانها از آن عالم و نشئه‌ی مجهول چه میدانند؟ در مورد شهدا میدانیم که اینها خرسندند، خوشحالند، مسرورند؛ *فَرَحِينَ يَمَّا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ*. بعد از این بالاتر: *وَيَسْتَبْشِرُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ*؛ (۳) یعنی با ما دارند حرف می‌زنند، خطاب میکنند به ما: *أَلَا حَوْفٌ عَلَيْنِهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ*. (۴) خیلی مهم است؛ این گوشه‌ی که بتواند ندای ملکوتی شهدا را بشنود، این گوش را باید در خودمان به وجود بیاوریم. آنها دارند به ما بشارت میدهند، مژده میدهند، خوف و حزن را نفی میکنند: *أَلَا حَوْفٌ عَلَيْنِهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ*. ما بر اثر ضعفهای خودمان دچار خوف میشویم، دچار حزن میشویم؛ اینها

به ما میگویند که شما خوف ندارید، حزن ندارید یا در مورد خودشان میگویند یا در مورد ما - بنا بر اختلافی که حالا در تفسیر این آیه ی شریفه ممکن است مطرح بشود - خوف و حزن را برمیدارند ؛ چه در این نشئه، چه در آن نشئه. برای يك ملت چقدر مهم است که در حرکت خود، در پیشرفت خود حقیقتاً دارای خوف نباشد، دارای حزن نباشد، با امید حرکت کند ؛ این پیام شهدا است به ما ؛ که باید این پیام را شنید. شماها با این جلسات، با این اجتماعاتی که تشکیل می‌دهید، موظفید این پیام را به گوشها برسانید.

نکته ی خوبی را برادرمان (۵) گفتند که وقتی جلسه ای تشکیل میشود در بزرگداشت شهیدان، آنهایی که شرکت میکنند در این جلسه، هرچه دارای ارج و مقام باشند، بیش از آنچه آنها به آن جلسه برکت و فایده و عظمت بدهند، آن جلسه است که به آنها خیر و برکت و هدایت و معرفت میدهد ؛ واقع قضیه این است. کاری کنید که این جلسات، این برکات را داشته باشد ؛ اینها را گسترش بدهد، این فرهنگ را در جامعه گسترش بدهد. ملت ایران کار بزرگی انجام داد ؛ کار عظیمی انجام داد. در دنیایی که مبتنی بر مدار زور و زورگویی و چپاولگری قدرتمندان و زورمندان است و ملتهای مستضعف در مناطق فراوانی از عالم دائماً در زیر فشار این زورمندان قرار دارند، در این دنیا يك موجودی، يك هویتی سر بلند کرد که صریحاً، بدون ملاحظه، با شجاعت کامل این حرکت غلط عالم را - که حرکت سلطه گری است و ما از آن تعبیر میکنیم به نظام سلطه - نفی کرد ؛ این کار ملت ایران است. ملت ایران نظام سلطه را که مبتنی بر سلطه گر و سلطه پذیر است، نفی کرد. مبنای دنیای قدرتمند چپاولگر، بر تقسیم دنیا به سلطه گر و سلطه پذیر است ؛ امروز هم همین جور است، در دورانی که انقلاب اسلامی به وجود آمد هم همین جور بود و در طول تاریخ هم همین جور بوده است ؛ البته امروز شدیدتر از دورانهای گذشته است ؛ چون امروز ابزارهای سلطه، قابل مقایسه با صد سال پیش و هزار سال پیش و پنج هزار سال پیش نیست ؛ لذا سلطه گران امکان تسلط بیشتری بر مظلومان و بر مستضعفان دارند و از این امکان دارند به طور کامل استفاده میکنند ؛ منابع را میبرند، فرهنگها را نابود میکنند، انسانها را تذلیل میکنند، در بین ملتهای مظلوم و محروم گرسنگی را گسترش میدهند ؛ و فجایع فراوان دیگر. در مقابل این حرکت، يك هویتی به وجود آمد به نام انقلاب اسلامی که متکی بود به مبانی وحی، مبانی الهی، اخلاق الهی، حرکت الهی و آنچه قرآن با صراحت دارد آن را بیان میکند ؛ این حرکت ملت ایران است. این حرکت بحمدالله روزبه روز هم توسعه پیدا کرده ؛ این حرکت پیش رفته.

ما مدعی نیستیم که توانستیم اهداف اسلامی را در کشور پیاده کنیم ؛ ما این را اصلاً ادعا نمیکنیم. ما در بسیاری از موارد توانایی هایمان محدود بوده است و آنچه را میخواستیم عمل کنیم، نتوانستیم در آن حدّ مورد علاقه ی خودمان عمل کنیم اما حرکت خودمان را ادامه دادیم ؛ ما به سمت این قله داریم حرکت میکنیم. سعی کردند ما را از این حرکت پشیمان کنند، نتوانستند ؛ سعی کردند متوقف کنند، نتوانستند ؛ سعی کردند ما را به عقب برگردانند، نتوانستند. بله، به قله نرسیدیم اما از این دامنه، مبالغ زیادی حرکت کردیم و پیش رفتیم و این حرکت ادامه دارد و این انگیزه ادامه دارد و این انگیزه روزبه روز ان شاءالله بیشتر خواهد بود و متوقف نمیشود. يك روزی بعضی ها فکر میکردند و بعضی ها هم به زبان می آوردند که آقا شما این بچه های دانشجو را دارید میبرید جبهه - درحالی که ما نمیبریم، خودشان داشتند با شوق میرفتند ؛ آنهایی هم که جلویشان گرفته میشد، با انواع تلاشها و ترفندها افراد پیرامون خود را وادار میکردند که اجازه بدهند بروند - دانشگاه ها خالی میشود، علم متوقف میشود ؛ حرکت آنها و تلاش آنها و مجاهدت آنها موجب شد که ما در حرکت علمی خودمان ؛ از سایر حرکاتی که در جامعه به وجود می آید، پیشتر و بیشتر جلو برویم. بحمدالله امروز ما در حرکت علمی مان در سطح کشور، يك وضعیّت قابل قبولی داریم ؛ يك وضعیّت افتخارآمیزی داریم ؛ آن روز تصوّر نمیشد ؛ آن روز شاید گفته میشد که اگر چنانچه این نخبه، این هنرمند، این دانشجو، این استاد، این معلم برود به جبهه و کشته بشود، خلأ به وجود می آید. معلوم شد که برکات شهادت و جهاد در راه خدا خیلی بیش از این حرفها است. آنها رفتند، [اما] امروز بحمدالله برجستگی به وجود آمدند که در عالم علم، در زمینه های هنر، در بخشهای گوناگون، برجسته اند ؛ یعنی قابل نشان دادن در سطح بین المللی و جهانی هستند. اینها برکات حرکت و مجاهدت يك ملت است و این ادامه خواهد داشت ؛ پیش خواهد رفت و ادامه خواهد داشت.

من عقیده ی راسخ دارم بر اینکه یکی از نیازهای اساسی کشور، زنده نگه داشتن نام شهدا است ؛ این يك نیازی است که ما - چه آدمهای مقدّس مآب و متدیّنی باشیم ؛ چه آدمهایی باشیم که خیلی هم مقدّس مآب نیستیم، اما به سرنوشت این کشور و به سرنوشت این مردم علاقه مندیم - هرچو که فکر بکنید، بزرگداشت شهدا برای آینده ی این کشور، حیاتی و ضروری است. فرهنگ شهادت یعنی فرهنگ تلاش کردن با سرمایه گذاری از خود برای اهداف بلندمدت مشترک بین همه ی مردم ؛ که البته در مورد ما آن اهداف، مخصوص ملت ایران هم نیست، برای دنیای اسلام بلکه برای جهان بشریت است. این فرهنگ در جامعه ای اگر جا افتاد، درست نقطه ی مقابل فرهنگ فردگرایی غربی امروز [است] که همه چیز را برای خود و با محاسبه ی شخصی می سنجند ؛ برای همه چیز يك قیمت اسکناسی و پولی قائلند و آن، به دست آوردن آن پول است ؛ این درست نقطه ی مقابل آن فرهنگ است ؛ یعنی «و یُوَثِرُونَ عَلٰی انْفُسِهِمْ» ؛ (۶) اینها کسانی هستند که ایثار میکنند ؛ فرهنگ ایثار، فرهنگ گذشت، فرهنگ مایه گذاشتن از خود برای سرنوشت جامعه و برای سرنوشت مردم. این فرهنگ اگر عمومی شد، این کشور و هر جامعه ای که این فرهنگ را داشته باشد، هرگز متوقف نخواهد شد ؛ به عقب بر نخواهد گشت و پیش خواهد رفت. این کار شما این فرهنگ را زنده میکند. بنابراین من از همه ی برادران و خواهرانی که در این کار نیک مشغول همکاری و شرکت در این کار هستند تشکر میکنم و امیدوارم که همه موفق باشید. این سه مجموعه ای که امروز اینجا حضور دارید - مجموعه ی ستاد بزرگداشت شهدای هنرمند، ستاد بزرگداشت شهدای دانشجو، ستاد بزرگداشت شهدای معلمان امور تربیتی - هرکدام از اینها در نوبه ی خود يك کار باارزش و پرمغز و پرمضمونی است که ان شاءالله آثار آن را هم در جامعه مشاهده خواهیم کرد. والسلام علیکم ورحمةالله.

(۱) سوره ی بقره، بخشی از آیه ی ۱۵۴

(۲) سوره ی آل عمران، آیه ی ۱۶۹ و بخشی از آیه ی ۱۷۰ ؛ «هرگز کسانی که در راه خدا کشته شده اند، مرده پندار، بلکه زنده اند که نزد پروردگارشان روزی داده میشوند. به آنچه خدا از فضل خود به آنان داده است شادمانند...»

(۳) همان ؛ «...و برای کسانی که... به آینده نپیوسته اند شادی میکنند...»

(۴) همان ؛ «...که نه بیمی برایشان است و نه اندوهگین میشوند.»

(۵) آقای حسین مسافراستانه

(۶) سوره ی حشر، بخشی از آیه ی ۹ ؛ «...آنها را بر خودشان مقدّم میدانند...»